یادداشت

بودجه شرکت‌های دولتی چه هست و چه نیست؟

محمدمهدی حبیب‌دولابی
کارشناس اقتصادی

هر سال که به زمان بررسی لایحه بودجه در مجلس شورای اسلامی می‌رسیم، «شرکت‌های دولتی» به یکی از واژه‌های پرتکرار در فضای رسانه‌ای کشور تبدیل می‌شود، شرکت‌هایی که طبق لایحه بودجه ۱۴۰۲ حدود ۶۰ درصد (معادل ۳۰۹۷ هزار میلیارد تومان) از بودجه کل کشور را در سال آینده تشکیل می‌دهند. با وجود این سؤالات و ابهامات زیادی در این شرکت‌ها و نحوه فعالیت آنها وجود دارد که تاکنون بی‌پاسخ مانده است. در پرونده شرکت‌های دولتی قصد داریم به برخی از این سؤالات پاسخ دهیم:

پرداختن به بودجه شرکت‌های دولتی از آن جهت حائزاهمیت است که یکی از مهمترین مفاهیم مبهم مرتبط با این شرکت‌هاست و به همین دلیل، در سال‌های اخیر این تصور در ذهن برخی کارشناسان و نمایندگان مجلس به وجود آمده که شرکت‌های دولتی بخش قابل‌توجهی از بودجه کشور را می‌بلعند و همین موضوع به بهانه‌ای برای نقد بودجه سالانه کشور تبدیل شده است. برای بررسی صحت و سقم این دیدگاه باید به این سؤال پاسخ دهیم که «بودجه شرکت‌های دولتی چیست ؟»

مقایسه بودجه شرکت‌های دولتی با بودجه عمومی صحیح نیست

حال با توجه به تعریف بودجه شرکت‌های دولتی، آیا می‌توان بودجه شرکت‌های دولتی را با بودجه عمومی کشور مقایسه کرد؟

پاسخ این سؤال، خیر است زیرا مقایسه بودجه شرکت‌های دولتی با بودجه عمومی مقایسه معناداری نیست. مطابق ماده ۱ قانون محاسبات عمومی کشور، بودجه کل کشور از سه قسمت شامل «بودجه عمومی دولت»، «بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها» و «بودجه مؤسسات تحت عنوانی غیر از عناوین فوق» تشکیل شده است که اگرچه این اجزا همگی در قالب یک مفهوم به عنوان بودجه کل کشور تعریف شده‌اند، اما از نظر ماهیت با یکدیگر تفاوت دارند و اساساً نه تنها با یکدیگر قابل مقایسه نیستند، حتی قابل تجمیع و نسبت‌گیری هم نیستند. در حال حاضر تنها به دلیل ماده قانونی یادشده، لایحه بودجه به شکل سرجمع ارائه می‌شود اما از نظر فنی کار صحیحی نیست.

به‌طور خلاصه، بودجه عمومی دولت شامل اعتباراتی است که به دستگاه‌های اجرایی اختصاص می‌یابد تا برای مدیریت و سیاستگذاری ارائه کالاها و خدمات عمومی به مردم در قالب مصارف جاری یا عمرانی مورد استفاده قرار گیرد. در واقع، بودجه دستگاه‌های اجرایی نشان‌دهنده مبلغی است که دستگاه مورد نظر در سال مزبور از خزانه دولت دریافت و مصرف خواهد کرد؛ اما همان طور که گفته شد بودجه شرکت‌های دولتی نشان‌دهنده حجم عملیات بنگاه است و تنها اعتباراتی که از سوی دولت به شرکت‌های دولتی اختصاص می‌یابد شامل «اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای» برای مصرف در طرح‌های عمرانی که شرکت دولتی اجرای آن را بر عهده دارد و همچنین «اعتبارات هزینه‌ای» به عنوان کمک‌زیان به خاطر وظایف محوله از جمله ارائه کالاها و خدمات با قیمت دستوری برای برخی شرکت‌های زیان‌ده اختصاص می‌یابد را می‌توان با بودجه عمومی مقایسه کرد. به عنوان مثال، اگر یک شرکت دولتی مانند شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور ۱۹۳ هزار میلیارد ریال درآمد و همچنین ۴۷ هزار میلیارد ریال به‌عنوان کمک دولت و هزینه‌ای معادل جمع دو عدد مذکور یعنی ۲۴۰ هزار میلیارد ریال دارد، به این معناست که شرکت مذکور با توجه به وظایف تکلیفی محوله شامل خرید تضمینی و تنظیم بازار علوفه پشتیبانی تولید فرآورده‌های پروتئینی حمایت از مصرف‌کنندگان، تأمین اعتبارات لازم جهت کمک به عمران و احیای مراتع کشور و تولیدکنندگان علوفه داخلی و... زیانی می‌سازد که دولت باید آن را جبران کند و البته درآمدی دارد که از عملیات خود شرکت است (فروش محصولات پروتئینی و محصولات علوفه‌ای). پس رقم درج شده در جداول کلان بودجه فقط نشان‌دهنده حجم عملیات بنگاهی و نوع فعالیت شرکت پشتیبانی امور دام به عنوان یک شرکت دولتی است و نه به معنای اختصاص ۲۴۰ هزار میلیارد ریال از طرف دولت به شرکت مذکور.

با توجه به آنچه گفته شد و با عنایت به اینکه یکسان‌انگاری ماهیت بودجه شرکت‌های دولتی و بودجه سایر دستگاه‌های اجرایی، منشأ بخش مهمی از سوءبرداشت‌ها بوده و بعضاً در سیاستگذاری‌ها نیز تأثیر خود را گذاشته است، پیشنهاد می‌شود مجلس شورای اسلامی نخست برای اقناع افکارعمومی و سپس برای حفظ پشتوانه فنی بودجه کل کشور به اصلاح تعریف بودجه شرکت‌های دولتی در قانون محاسبات عمومی اقدام نماید و بودجه شرکت‌های دولتی را از سرجمع بودجه کل کشور حذف کند. البته علاوه بر این موضوع، ضرورت دارد سرفصل‌های مربوط به منابع داخلی و درآمدها / هزینه‌های شرکت‌های دولتی از پیوست ۳ بودجه حذف شود.

عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران از ناکامی دیپلماسی اقتصادی در سال‌های گذشته می‌گوید

شرق هم نمی‌خواست با دولت غربگرای ما کار کند

- دولت روحانی چین را کنار گذاشت و در کنار غربی‌ها قرار گرفت و در نهایت هم رسماً اعلام کرد که مذاکرات برای برجام شکست خورد!
- اگر شرایط بدبینی به چین و روسیه که در دولت قبل وجود داشت ادامه می‌یافت، نمی‌شد الان کشور را اداره کرد

زمانی که اعداد صادرات و واردات رسانه‌ای می‌شود برخی‌ها این گونه برداشت می‌کنند که هر میزان عدد واردات کمتر از صادرات باشد، سیاستگذاران اقتصادی موفق‌تر عمل کردند، اما چنین دیدگاهی و اصرار و پافشاری بر آن باعث می‌شود که روز به روز تجارت ایران ضعیف‌تر شود. تمام کشورها تمایل دارند در برابر وارداتی که دارند، صادرات هم داشته باشند لذا زمانی یک کشور در تجارت موفق خواهد شد که مواد اولیه از کشورهای مختلف وارد کند اما در نهایت صادرکننده کالاهای نهایی باشد. یحیی آل اسحاق هم چنین دیدگاهی دارد و تأکید می‌کند که تجارت پایدار را زمانی خواهیم داشت که هم صادرکننده و هم واردکننده کالا از یک کشور باشیم و هیچ کشوری تاب آن را ندارد که صرفاً واردکننده باشد. عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران بر این امر تأکید دارد که باید از فرصت‌های موجود تجاری بهترین برداشت را کرد و گذشته را که هدر رفت جبران کنیم. در دولت گذشته اجازه آب خوردن را از غرب می‌خواستیم بگیریم و فراموش کردیم به جز غرب کشورهای دیگری هم هستند که می‌توانند مواد اولیه تولید را در اختیار کشورمان قرار دهند. ادامه مصاحبه ما با یحیی آل اسحاق در ادامه می‌آید.

● روابط تجاری و اقتصادی ایران را با کشورهای مختلف در دولت سیزدهم چگونه می‌بینید؟

به طور کلی روابط کشورها با دنیا یکی از عوامل اقتدار و توانایی آن کشور است. هر کشوری با آن نسبتی که در روابط همسایگان خود در منطقه و سایر کشورها در هر یک از حوزه‌های اقتصادی فعال باشد این علامت قدرت، توان و استفاده از فرصت‌های جهانی است. بهره‌برداری از این فرصت‌ها باعث رشد، توسعه و رفاه مردم آن کشور می‌شود. لذا اگر کشوری می‌خواهد در این برهه ادامه حیات دهد باید حداکثر تلاش خود را بکند که بهترین تعامل را با کشورهای همسایه و سایر کشورها بر اساس آرمان‌ها و منافع ملی خود داشته باشد.

لذا موضوع دیپلماسی اقتصادی یکی از ارکان مهم دولت‌ها و یکی از ارکان عمده توانایی حکومت‌ها است. این موضوع نه تنها برای مباحث اقتصادی است بلکه تبعات آن برای حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، روابط بین‌الملل و فرهنگی نیز هست. دیپلماسی اقتصادی برآیند تمام حوزه‌های یاد شده است. یکی از نقاطی که نظام باید بیش از گذشته به آن توجه کند، دیپلماسی اقتصادی است. در حقیقت دیپلماسی اقتصادی یک هنر است؛ هنر چگونگی استفاده از ابزارهای سیاسی در جهت اهداف اقتصادی و بالعکس. در این میان بخشی از هنر و موفقیت وزارت امور خارجه و مجموعه‌های اقتصادی حاکم بر هر کشوری این است که با چه سازکاری در موضوع دیپلماسی اقتصادی ورود و چگونه مدیریت و مذاکره کنند. اما در رابطه با جمهوری اسلامی ایران این امر چند وجه دارد، یک وجه داخلی است، ایران کشوری چند هزار ساله است و با موقعیت جغرافیایی خاص و با اهداف خاص اداره می‌شود. وجه دوم ایران جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی است. در آنجا هم ایران کشور معمولی نیست، کشوری است که ادعاهای جهانی دارد و ادعا دارد که نظام‌های جهانی را باید به گونه‌ای دیگر مدیریت کرد و روابط حاکم بر جهان، روابط مناسبی نیست. مدعی است که می‌شود مردم جهان را بر اساس هماهنگی بین‌المللی اداره کرد به گونه‌ای که استکبار و ظلم پایان پیدا می‌کند؛ این صحبت‌ها برگرفته از انقلاب اسلامی و مردم مسلمان جهان است.

منطقه خاورمیانه با توجه به توانایی‌های بالقوه، موقعیت ژئوپلیتیک، تحت مدیریت هر جریان فکری بوده، موفق عمل کرده و در دنیا تأثیرگذار بوده است. در تحلیل‌های جنگی و نظامی هم گفته می‌شود منطقه خاورمیانه در تمام جنگ‌های دریایی و خشکی موفق بوده است. اکنون هم با آنکه در جنگ اقتصادی به سر می‌بریم منطقه خاورمیانه چه به لحاظ منابع (نفت و انرژی)، بازار مصرف و ژئوپلیتیک، صدمه جدی ندیده و همچنان اقتصاد ایران جان دارد.

● با کشورهای همسایه اهداف تجاری بلندمدت دیده شده است اما چرا اجرایی نشده است؟

به آن نسبتی که بتوانیم استراتژی بلندمدت تجاری با کشورها تعریف کنیم و همچنین عملیاتی شود می‌توان در تمام حوزه‌های حکمرانی و بین‌المللی نقش اساسی و اصولی داشته اشیم چرا که بازتاب آن در حوزه‌های داخلی ایران هم هست. اگر بتوان رابطه اقتصادی و تجاری مستمر با ۱۵ کشور همسایه داشت و برای تحقق تجاری ۳۰۰ میلیارد دلار برنامه‌ریزی کرد (پتانسیل آن هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار است)، می‌توان به ثبات پایدار اقتصادی دست یافت. در این میان حتی اگر ۲۰۰ میلیارد دلار آن محقق شود، می‌توان به ۲۰۰ میلیارد دلار اشتغال، ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و... دست یافت.

● دولت یازدهم و دوازدهم تا چه حد به ارتباطات خارجی و همکاری‌های مشترک توجه می‌کرد؟

اصل اینکه دیپلماسی مهم است و باید به آن توجه شود را هر دولتی که سر کار بیاید، به آن واقف است. تمام دولت‌ها به دنبال توسعه روابط اقتصادی با کشورهای مختلف هستند. ولی اینکه عملاً وارد این صحنه شوند، رویکردها و سیاست‌ها چقدر در مسیر حاشیه است و چقدر در متن، مبحث دیگری است. نمی‌شود به موضوعی حاشیه‌ای بها دهیم اما انتظار متنی از آن داشته باشیم. یعنی تأمین منابع نکنیم و اهمیت سیاسی ندهیم ولی انتظار داشته باشیم شرایط ایران در حوزه بین‌الملل مناسب باشد.

آن چیزی که در ارتباط تجاری ایران با سایر کشورها با توجه به صحبت‌های رئیس جمهور استنباط می‌شود این است که مسئولان و رؤسای قوا، تعامل و تجارت بین‌الملل را از رئوس فعالیت و تصمیم‌های خود می‌دانند. دولت سیزدهم به توسعه روابط تجاری منطقه‌ای، توسعه روابط اقتصادی منطقه‌ای و حضور حداکثری در نظام اقتصادی بین‌الملل اهمیت قابل توجهی می‌دهد. دولت گذشته هم به این موضوعات فکر می‌کرد اما با آنکه صحبت از دیپلماسی اقتصادی می‌کرد اما به دیپلماسی منطقه‌ای توجه نمی‌کرد.

دولت سیزدهم از زمانی که فعالیت خود را شروع کرد، سراغ پیمان شانگهای رفت، دولت گذشته هم مذاکراتی داشت اما نتوانست آن را به سرانجامی برساند. دولت سیزدهم با برگزاری جلسات پی در پی و نشست‌های تخصصی توانست پیمان شانگهای را فعال کند و حتی مصوبه مجلس را هم گرفتند. یا مثال دیگر اینکه معاونت امور اقتصادی در وزارت امور خارجه بشدت در ارتباط گیری با کشورهای همسایه، منطقه و سایر کشورها فعال شد، این در حالی است که معاونت یاد شده در دولت گذشته هم بود اما از آن استفاده‌ای نمی‌شد. ولی دولت سیزدهم به خوبی معاونت امور اقتصادی در وزارت امور خارجه را فعال کرده است. ذهنیت وزارت امور خارجه، نگاه سفرا و دیدگاه وزرا نسبت به روابط بین‌الملل تغییر کرده و اکنون همه می‌دانند که توسعه و پیشرفت کشور وابسته به دهکده جهانی است. البته هنوز به حد اعلا و مناسب نرسیده اما با این حال تغییر نگاه و نگرش به وضوح پیدا است و همین امر سبب شده که سطح تعاملات بخصوص با کشورهای منطقه و همسایه افزایش پیدا کند. در یک دوره زمانی بود که سفرا جرأت نمی‌کردند در مباحث اقتصادی ورود کنند اما اکنون خودشان تسهیل‌کننده روابط و وصل‌کننده بخش خصوصی به کشورهای هدف صادراتی هستند. آن موقع ترس از بدنامی وجود داشت و حتی اجازه نمی‌دادند فعالان اقتصادی به سفارتخانه‌ها ورود داشته باشند، اما اکنون شرایط به‌طور کلی تغییر کرده و تمام سفارتخانه‌ها با فعالان اقتصادی و تجار همراه شدند چرا که دولت از آنها خواسته است که حمایت‌های لازم صورت گیرد. دولت سیزدهم در مسأله توسعه روابط تجاری و اقتصادی حداقل در بیان قوی عنوان می‌کند.

● نگاه دولت سیزدهم در روابط تجاری چیست؟

دولت سیزدهم رسماً اعلام کرده است که توجه مضاعفی به پتانسیل شرق دارد. بر این اساس بیشترین سیاست‌ها و راهکارهای تجاری را با شرق پیش می‌برد. البته سیاست نه شرقی نه غربی که از اوایل انقلاب اسلامی مطرح می‌شد، همچنان وجود دارد و دولت رئیسی هم به این نکته توجه مناسبی دارد. بعضاً افراط و تفریط‌هایی در صحبت‌ها می‌شود، به‌عنوان مثال می‌گویند که ایران در مقطع فعلی کلاً به سمت چین رفته است یا در مورد دولت گذشته گفته می‌شد که صرفاً به غرب توجه دارد. برداشت‌های سیاسی مبنی بر اینکه در توافق ۲۵ ساله ایران با چین، خاک‌فروشی خواهیم کرد یا می‌خواهیم بندر واگذار کنیم و امثالهم بشدت بر توسعه روابط اقتصادی اثر می‌گذارد.

در دولت گذشته به جهت تحریم‌ها فروش نفت به کمتر از ۲۰۰ هزار بشکه رسیده بود و اکنون دوباره احیا شده و به فراتر از یک میلیون بشکه رسیده است، این محدودیت‌ها تا حدودی در مورد چین وجود ندارد و تجارت با چین و روسیه با وجود تحریم‌های مغرضانه وجود دارد. در حوزه‌های مختلف سرمایه‌گذاری هم با چین همکاری می‌شود. شرایط موجود به منزله نفی غرب نیست اما باید پذیرفت در شرایط سخت تحریمی نمی‌توان کشور و اقتصاد ایران را نگه داشت تا شاید برجامی امضا شود. ادامه راه دولت گذشته سبب خواهد شد که اقتصاد ایران متزلزل شود. حال که غربی‌ها دیدند مذاکرات ایران با چین و روسیه در جریان است با انواع بدرفتاری‌ها و جوسازی‌ها به‌دنبال این امر هستند که همکاری‌های مشترک ایران و چین متوقف شود. از طرفی خودشان هم هیچ دری را برای همکاری مشترک باز نمی‌کنند.

پیمان شانگهای که در دولت سیزدهم نهایی و در مجلس تصویب شد، می‌تواند در اقتصاد ایران بسیار اثرگذار باشد. در پیمان شانگهای کشورهایی چون چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، مغولستان، پاکستان، هند و افغانستان حضور دارند، لذا با همکاری این کشورها می‌توان تعاملات اقتصادی را با سرعت به سمت مطلوب هدایت کرد؛ در این میان اگر وارد بریکس (نام گروهی به رهبری قدرت‌های اقتصادی نوظهور است که شامل کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است) شویم، می‌توان گفت جزو بهترین اتفاق‌های اقتصادی و تجاری کشور است. دولت سیزدهم به دنبال این است که برخلاف دولت‌های گذشته از ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری منطقه و کشورهای همسایه بخوبی استفاده کند. یک بحث عزم و تصمیم است، اما بحث مهم‌تر این است که به الزامات آن متعهد نیستیم. یعنی می‌خواهیم با ۱۵ کشور همکاری کنیم و در عین حال واردات‌مان به حداقل برسد، اما این قطعاً شدنی نیست چرا که تجارت هم صادرات دارد و هم واردات؛ نمی‌توان فقط یکی را انتخاب کرد.

● به اعتقاد شما عدم واردات از برخی کشورها باعث شده است تا تجارت ایران با کشورهای همسایه رونق نگیرد؟

هر کشوری که ما قصد داریم به آن صادرات کنیم، چه ترکیه باشد چه پاکستان و چه سایر کشورها، می‌خواهند تعامل تجاری و دوسویه داشته باشند نه اینکه واردکننده صرف باشند، حتی عراق هم با آنکه صادراتی ندارد به دنبال همکاری مشترک و صادرات است. لذا باید این امر را در ذهن داشته باشیم که تعالی در تجارت، همکاری دوسویه و سود بردن دو طرف است، لذا باید رویکردها را در تجارت بخصوص با کشورهای همسایه تغییر دهیم. تصور ما این است که اگر واردات را به حداقل و صادرات را به حداکثر برسانیم در تجارت موفق عمل کرده‌ایم و این تجارت برنده است، اما اتفاقاً این نوع تجارت محکوم به شکست است چرا که پایدار نیست. بر این اساس ضرورت دارد که واردات بر مبنای رشد اقتصادی کشور باشد. یعنی به جای کالای نهایی، مواد اولیه تولید وارد شود. واردات برای تولید در جهت صادرات، باعث می‌شود که ضمن تعامل تجاری به رشد اقتصادی مطلوب دست یافت. با واردات مواد اولیه می‌توان تولید کالاها را افزایش داد و از قاچاق کالا جلوگیری کرد، سؤال من این است، مگر به کره جنوبی یخچال قاچاق می‌شود؟ خیر، چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد چرا که خودش صادرکننده این کالا است، لذا اگر در تولید کالاها به جهت کیفیت و کمیت به جایگاه خوبی برسیم، قاچاق در کشورمان کاهش خواهد یافت و این امر جلوی خروج ارز از کشور را هم خواهد گرفت. لذا نباید به واردات نگاه بدبینانه داشت. مهم‌ترین مشکل ما این است که اقتصاد ایران سیاست‌زده است و زیر نظر سیاست می‌خواهد رشد کند، لذا با این شرایط توسعه تجاری و تعامل با کشورهای دیگر سخت است.

● آیا ارتباط چین با عربستان به معنای آن است که ارتباط تجاری ایران و چین کمرنگ می‌شود یا قرارداد ۲۵ ساله همکاری کنار گذاشته شده است؟

اظهارنظرهایی که در مورد روابط تجاری بخصوص در مورد چین می‌شود، نشأت گرفته از مسائل سیاسی است. اخیراً گروه‌های سیاسی سکویی پیدا کرده‌اند که از هر سمت به روابط ایران و چین حمله کنند. رئیس جمهور چین در سفر به عربستان قرارداد چند ده میلیارد دلاری بست و همین امر سبب شد که در فضای داخلی نسبت به همکاری با چین هجمه‌هایی ایجاد شود، اما چنین رویه‌ای اشتباه است. قرارداد همکاری چین با عربستان دلیل بر این نیست که چین ایران را کنار گذاشته باشد، همان‌طور که چین رابطه خوبی با ما دارد، می‌تواند همین رابطه را با سایر کشورهای جهان داشته باشد. هر کشوری منافع اقتصادی و تجاری خود را می‌بیند. اولین طرف صادراتی ما چین و پس از آن عراق است. عراق دومین بازار صادراتی ایران است و در برخی سال‌ها یک‌سوم از صادراتمان مربوط به عراق بوده که مقدار قابل توجهی است و این در صورتی است که به آن مقدار که باید به ظرفیت تجارت با این کشور توجهی نمی‌کنیم. ویژگی بسیار مهم بازار عراق این است که هر کالا و محصولی از یک ظرف پلاستیکی گرفته تا پروژه‌های نیروگاهی در این بازار قابل عرضه است و خریدار دارد. از طرفی کشورمان در تجارت با عراق مزیت‌های نسبی مثل نزدیکی، آشنایی‌های فرهنگی، سطح تکنولوژی و دیگر موارد را نسبت به رقبای خود دارد، ولی در حال حاضر نقش خود را در این کشور ایفا نمی‌کند و تمام این مسائل به جایگاه دیپلماسی اقتصادی در نظام تصمیم‌گیری برمی‌گردد. از نظر امنیتی با اینکه در حال حاضر عراق در وضع خوبی قرار ندارد، اما تمام مسئولان و صاحب نظران عراقی می‌دانند که مسائل اقتصادی را باید در اولویت قرار دهند و اگر بتوانند روابط اقتصادی خود را با دیگر کشورها هماهنگ کنند به اهداف امنیتی خود نیز می‌رسند. در حال حاضر مشاهده می‌شود که کشورهایی مثل امریکا، چین، ترکیه، عربستان و حتی عمان که به نوعی در رابطه با عراق رقیب ایران به شمار می‌آیند، تمام همت خود را در تمرکز بر اقتصاد عراق گذاشته‌اند و هزینه‌هایی را که قبلاً در مقابله با داعش مصرف می‌کردند در سرمایه‌گذاری، حمایت و افزایش زیرساخت اقتصادی عراق به کار می‌برند.

۱۲۰۰ میلیارد دلار

اگر بتوان رابطه اقتصادی و تجاری مستمر با ۱۵ کشور همسایه داشت و برای تحقق تجاری ۳۰۰ میلیارد دلار برنامه‌ریزی کرد (پتانسیل آن هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار است)، می‌توان به ثبات پایدار اقتصادی دست یافت

یک میلیون بشکه

در دولت گذشته به جهت تحریم‌ها فروش نفت به کمتر از ۲۰۰ هزار بشکه رسیده بود و اکنون دوباره احیا شده و به فراتر از یک میلیون بشکه رسیده است

> هر کشوری که ما قصد داریم به آن صادرات کنیم، چه ترکیه باشد چه پاکستان و چه سایر کشورها، می‌خواهند تعامل تجاری و دوسویه داشته باشند نه اینکه واردکننده صرف باشند، حتی عراق هم با آنکه صادراتی ندارد به دنبال همکاری مشترک و صادرات است

برش

● چرا دولت گذشته تمام موضوعات اقتصادی و همکاری‌های بین‌الملل را به برجام گره زده بود؟

دولت گذشته به این نتیجه رسیده بود که همه حرف‌ها درست است اما تا زمانی که مسائل و چالش‌های ایران در برجام حل نشود، نمی‌توان به فکر توسعه روابط اقتصادی با کشورهای مختلف بود. حتی آب خوردن ما را هم به برجام گره زده بودند. دولت گذشته تمام تلاش و توان خود را برای برجام گذاشت و از سایر موضوعات و کشورها غافل شد. تصور آنها این بود که ابتدا کدخدا را ببین، مسائل را با کدخدا حل کن و سپس سراغ سایر کشورها برو. تصور دولت گذشته این بود که اگر مشکل با کدخدا حل شود دیگر هیچ مشکلی در حوزه تجارت و فعالیت اقتصادی نخواهد داشت. در نگاه کلان هم اختلاف زیادی میان دولت فعلی و دولت گذشته است. دولت گذشته به غرب بها می‌داد و می‌خواست تجارت با کشورهای غربی ادامه پیدا کند اما دولت سیزدهم به شرق و کشورهای شرقی چون چین اهمیت بیشتر می‌دهد. دولت گذشته فکر می‌کرد که اگر با غرب همراه شود، اوضاع کشور و بخصوص تجارت رونق می‌گیرد و سعی داشت نارسایی و ابهامات را خالصانه با غرب حل کند و از سویی به شرق (چین) خیلی اعتماد نداشت. کشورهای شرقی هم به این باور رسیده بودند که دولت جمهوری اسلامی حداقل در آن مقطع به شرق اعتماد ندارد و می‌خواهد مناسبات تجاری و همکاری‌های اقتصادی خود را با غرب جلو ببرد. بی‌اعتمادی دوطرفه سبب شد که سطح همکاری‌ها با کشورهای شرقی کاهش پیدا کند. در نهایت و به اذعان رئیس جمهور دولت گذشته و وزیر امور خارجه دولت گذشته، برجام عملی نشد. حال کار نداریم که این «نشد» به خاطر مباحث داخلی بود یا خارجی، مهم این است که برجامی امضا نشد.

فصلی نوین در رونق تجاری ایران

حتی اگر تجارت ۲۰۰ میلیارد دلار محقق شود، می‌توان به ۲۰۰ میلیارد دلار اشتغال، ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و... دست یافت

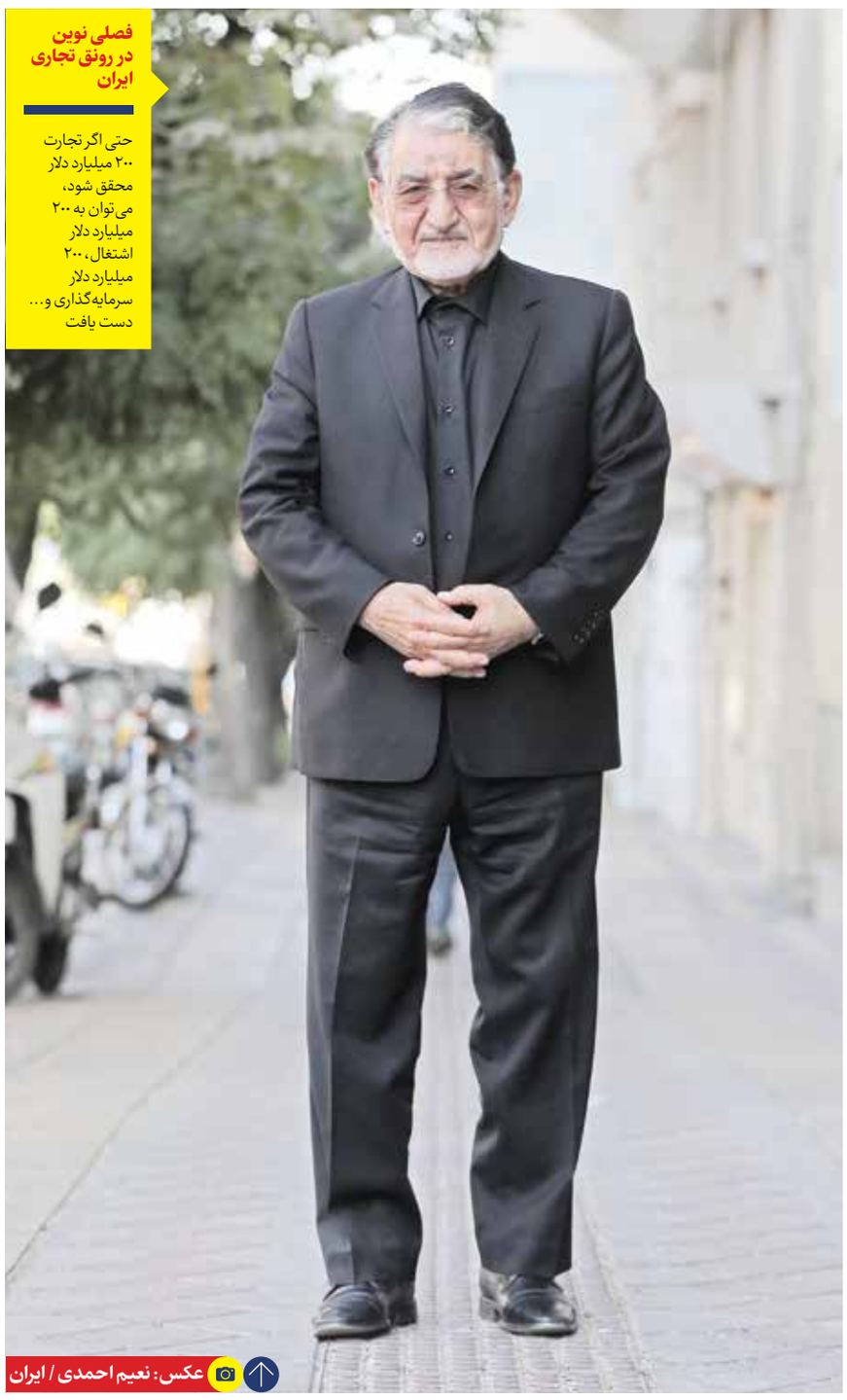

عکس: نعیم احمدی / ایران